

تعاون و تمرین الفبای جهانی شدن

امین فغفوری



تحقق صادرات یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری تا پایان امسال و رساندن آن به رقم قابل توجه ۹ میلیارد دلار تا پایان برنامه توسعه چهارم به عنوان یکی از اهداف کلان در نظر گرفته شده برای بخش تعاون مستلزم تغییرات گسترده‌ای در ادبیات این بخش مهم اقتصادی است.

بخش تعاون قرار است در پایان برنامه چهارم توسعه به ۱۵ درصد و در افق سند چشم‌انداز بیست ساله، به ۲۵ درصد اقتصاد کشور دسترسی پیدا کند و علیرغم بروز نامهربانی‌های خواسته و ناخواسته بسیار در گذشته، بازیگر مهمی در عرصه اقتصاد کشورمان باشد.

فراهم شدن حضور بخش تعاون در صنایع پایین دستی پتروشیمی، سیمان، فولاد، بانک و... در پی وقوع تحول اساسی در اقتصاد ایران پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی صدر و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری، نویدبخش روزهای خوش‌رهایی از اقتصاد نفتی است.

توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، تغییر نقش مالکیت و مدیریت مستقیم دولت بر نگاه‌های اقتصادی را به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر آن در پی داشت که این مهم، مستلزم آماده کردن آنها (قبل و بعد از واگذاری) برای آمادگی رقابت با تولیدات، محصولات و خدمات در بازارهای بین‌المللی می‌باشد.

بدون شک برای گشوده شدن درهای بازارهای جهانی بر روی اقتصاد ایران نیازمند توسعه منابع و سرمایه‌های انسانی، افزایش و ارتقای دانش پایه و تربیت نیروهای متخصص و آشنا به اقتصاد مدرن و آشنا با ساز و کارهای جهان پسند هستیم و البته تمرین مداوم برای افزایش آمادگی و رویارویی با قواعد بدون ترحم تجارت جهانی.

پروسه ورود ایران به سازمان تجارت جهانی، بسیار طولانی و قدیمی است، به طوری که سال‌ها برای ورود به آن انتظار کشیده ایم و شروع آن به سال ۷۱ برمی‌گردد؛ زمانی که ایران عضو ناظر گات بود و به دولت ایران پیشنهاد شد که عضو دائم شود. اوایل سال ۷۴، وزارت بازرگانی وقت مسئول ارائه گزارشی مبنی بر ارائه نظرات کلیه دستگاه‌های اجرایی در این خصوص می‌شود که پس از تکمیل آن، برای اتخاذ تصمیم نهایی به دولت ارائه می‌شود. سال ۷۴ با پایان دوره اروگوه مقارن بود که حدود ۸ سال در خصوص یارانه‌ها و سایر مسائل جمع‌بندی شد تا همه نتایج به سازمان جدید منتقل شود. در آن زمان گات به WTO تبدیل شد و بر اساس اساسنامه سازمان تجارت جهانی، عضویت تمامی کشورها لغو شد.

اتمام جنگ تحمیلی، فرصتی به اقتصاد ایران داد تا نگاهی بازتر به فعالیت‌های برون مرزی داشته باشد که این خود، سرآغازی بود برای توجه به عضویت در گات، اما به دلیل طولانی شدن روند بررسی مطالعاتی، تاخیر در ارائه تقاضا به سازمان مقارن شد با مقطع زمانی تبدیل گات به WTO.

در آن زمان عضویت کشورها در گات لغو شد و کشورها باید برای عضویت در WTO تقاضای عضویت می‌کردند و بدین ترتیب عضویت ناظر ایران لغو و تقاضای مجدد، مصادف می‌شود با بحث‌های طولانی و کارشکنی‌های صریح آمریکا و نماینده آن که این مسئله، انتظاری ۹ ساله را در پی داشت تا شروع بیست و دومین نشست شورای عمومی که سرانجام در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۴ درخواست عضویت ناظر ایران پذیرفته می‌شود.

این در حالی است که پیوستن به این سازمان برای کشوری مثل الجزایر نزدیک به ۱۹ سال، چین ۱۵ سال و عربستان ۱۲ سال طول کشیده است.

بی تردید، حضور بدون آمادگی در WTO یعنی انتحار و از عقلانیت به دور است که کشوری بدون مطالعه وارد چنین سازمانی شود. اولین نکته بسیار مهم آن است که از اقتصاد ملی شناخت داشته باشیم. اگر بدانیم از بعد ملی، جایگاه اقتصادی ما کجاست، می‌توانیم آینده اقتصاد کشور و چگونگی همراهی آن را با اقتصاد بین‌الملل پیش‌بینی کنیم. اصلی‌ترین دغدغه ایران نیز برای عضویت در همین نقطه تشخیص، تبیین و هدف گذاری خلاصه می‌شود.

عضویت در سازمان یک تیغ دو لبه است که بدون آمادگی وارد شدن بر گرداندن تیغ به سمت خود و با آمادگی وارد شدن، جهت دادن لبه تیغ به سمت مخالف.

بر اساس گزارش موسسه جهانی پژوهش مکنزی، موجودی مالی بازار جهانی سرمایه از ۱۲ تریلیون دلار در سال ۱۹۸۰، به ۵۳ تریلیون دلار در سال ۱۹۹۳ و به ۱۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده و پیش‌بینی می‌شود این موجودی در سال ۲۰۱۰ به ۲۰۰ تریلیون دلار برسد.

این در حالی است که در سال‌های اخیر علیرغم وجود موانع سیاسی برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی در شرایط نامساعدی به کسب و کار خود پرداخته‌اند. با توجه به پذیرش رسمی تقاضای پیوستن ایران به این سازمان، هر چند تا عقد قرارداد و عضویت رسمی راه‌درازی در پیش است، عواقب این عضویت قابل تأمل است، به طوری که گسترش پیمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی، پیوستن ایران به آنها و امضای تفاهم‌نامه‌های تجاری اثرات کارکردن در فضای بازاری اقتصادی را جدی‌تر نشان می‌دهد.

این پیمانها با سرعتی فزاینده یکی پس از دیگری از راه می‌رسد و بنگاه‌های ما را در معرض تهدیدها و فرصت‌های جدی قرار می‌دهند. گرچه این روند طوری است که تهدیدها زودتر خود را نشان خواهند داد، در عین حال خنثی کردن هر تهدید همانند خلق فرصتی مناسب برای رشد است، با این توجه که اگر این فرصتها مورد استفاده قرار نگیرند، بدون شک تبدیل به تهدید خواهند شد. نگاهی کوتاه و گذرا بر قانون برنامه چهارم توسعه و البته فراهم شدن زمینه‌های تحقق

آنها، مسیر روشنی را برای تحقق این مهم پیش‌بینی کرده است. مواردی از جمله ماده ۳۷ از فصل سوم آن که بیان می‌دارد: «دولت موظف است در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار متوسط سالانه سه و نیم درصد (۳/۵٪) و رشد صادرات غیرنفتی متوسط سالانه ده و هفت دهم درصد (۱۰/۷٪) و ارتقای سهم صادرات کالاها و فناوری پیشرفته در صادرات غیرنفتی از دو درصد (۲٪) به شش درصد (۶٪)، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد»:

الف - نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید.

ب - از تولید کالاها و خدمات در عرصه‌های نوین و پیش‌تاز فناوری در کشور از طریق اختصاص بخشی از تقاضای دولت به خرید این تولیدات حمایت به عمل آورد.

ج - زمینه مشارکت تشکل‌های قانونی غیردولتی صنفی - تخصصی بخش‌های مختلف را در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوطه ایجاد نماید.

د - خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای پیشرفته را توسعه داده و یا ایجاد نماید. همچنین ماده ۳۹ این فصل بیان می‌دارد: «دولت موظف است در جهت تجدید ساختار و نوسازی بخش‌های اقتصادی، در برنامه چهارم اقدام‌های ذیل را به عمل آورد»:

الف - اصلاح ساختار و ساماندهی مناسب بنگاه‌های اقتصادی و تقویت رقابت‌پذیری آنها را از طریق زیر اصلاح نماید:

۱ - حمایت از ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط، بزرگ (اعطای کمک‌های هدفمند) توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی، مهندسی، تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی در بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها.

۲ - رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه، بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی.

ب - انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با

عضویت در سازمان تجارت جهانی یک تیغ دو لبه است که بدون آمادگی وارد شدن بر گرداندن تیغ به سمت ما است و با آمادگی وارد شدن جهت دادن لبه تیغ به سمت مخالف.

پیرامون، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف - کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از ساز و کار عرضه و تقاضا، بادر نظر گرفتن ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه‌های صادر کننده و سیاست جهش صادرات با رعایت بند (۴) الزامات جدول شماره (۲) این قانون.

ب - تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات گرا.

ج - برنامه ریزی و اجرای توسعه زیر بناها با هدف کاهش هزینه‌های تولید، خلق مزیت‌های رقابتی و منطبق با نیازهای توسعه اقتصادی کشور.

د - بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار با ساز و کار سه جانبه‌گرایی (دولت - کارگر - کارفرما)...

نیم‌نگاهی به سند توسعه تعاون و توجه به اجرای گام به گام چهارمین برنامه کلان توسعه کشور به عنوان یک نقشه راه نویدبخش تحقق یکی از دستاوردهای این نقشه که همانا شکل‌گیری جامعه ای پویا و توانا که در آن هم شهروندان ایرانی بتوانند با تکیه به توانمندی‌هایشان مسیر درستی برای بهبود آینده فردی و خانوادگی شان بردارند و هم دولت بتواند با تعیین چراغ‌های راهنما سمت و سوی مناسبی به فعالیت‌های جامعه ببخشد، از یک طرف و ابلاغ سیاست‌های کلی صدر و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و توجه ویژه مقام معظم رهبری به بخش تعاون به عنوان یکی از بخش‌های مهم و اصلی در اقتصاد کشور از طرف دیگر، موید اهمیت بخش تعاون در تحقق شئون اجتماعی و فرهنگی زندگی اجتماعی شهروندان ایرانی است. ابلاغ سند توسعه بخش تعاون و تاکید بر اجرایی شدن آن که این روزها خبرهای خوشی درباره آن می‌شنویم، به همراه برنامه‌های مدون برای واگذاری سهام عدالت در اقصی نقاط کشورمان، در طول برنامه چهارم توسعه می‌تواند بسیاری از گره‌های کور اقتصادی جامعه ایران را باز کند. یکی از بزرگترین معضلات حال حاضر جامعه، مسئله اشتغال و کافی نبودن سرمایه‌گذاری‌های مولدی است که بتواند جوانان متخصص، آموزش دیده و تحصیل کرده در رشته‌های مختلف را تحت پوشش چتر حمایتی خود قرار دهد.

در اولین بخش از اهداف کمی سند توسعه تعاونی‌ها برنامه‌ای برای ایجاد و گسترش تعاونی‌های تولیدی و خدماتی اشتغال‌پیش‌بینی شده است که طی آن در شرایطی که فاقد شهرک‌های تعاونی اشتغال‌زا هستیم، تعداد شهرک‌ها و مجتمع‌های تعاونی‌های اشتغال‌زا در پایان برنامه، رقم ۱۱۵ مورد شهرک و مجتمع تعاونی اشتغال‌زا محقق خواهد شد.

در مورد تعاونی‌های اشتغال‌زا نیز در حالی که در سال پایه ۱۳۸۴ تعداد این تعاونی‌ها ۵۲ هزار واحد است، در پایان برنامه این رقم به بیش از ۱۲۰ هزار واحد خواهد رسید. سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا در سال ۱۳۸۴ سه هزار میلیارد ریال بوده است که طبق پیش‌بینی‌های انجام شده در سند توسعه تعاون به ۲۶۵ هزار میلیارد ریال خواهد رسید.

به این ترتیب با استفاده از اعتبارات بخش تعاون برای یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار نفر در پایان برنامه چهارم توسعه اشتغال‌زایی خواهد شد.

در آن بخش از این سند که به برنامه یکپارچه‌سازی و گسترش بازار تعاونی‌ها اختصاص یافته است، میزان صادرات بخش تعاون از مبلغ ۸۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ به هشت میلیارد و هفتصد میلیون دلار در سال ۸۸ یعنی پایان برنامه چهارم خواهد رسید. در همین بخش از سند توسعه پیش‌بینی می‌شود حجم معاملات بین تعاونی‌ها از ۱۰ درصد کل معاملات تعاونی‌ها در سال ۱۳۸۳، به ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۸ بالغ گردد.

در پایان برنامه چهارم دو میلیون و چهارصد و بیست هزار فرصت شغلی جدید ناشی از طرح‌های تعاونی به وجود خواهد آمد که این رقم در سال ۱۳۹۴ به بیش از ۶ میلیون فرصت شغلی خواهد رسید.

استانداردهای بین‌المللی، توسعه و ارتقای سطح استانداردهای ملی و مشارکت فعال در تدوین استانداردهای بین‌المللی، افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی و ممنوعیت خرید کالاها غیر منطبق با استاندارد ملی اجباری توسط دستگاه‌های مشمول ماده (۱۶۰) این قانون، مؤسسات عمومی غیردولتی و مجریان طرح‌های تملک‌دارانی‌های سرمایه‌ای.

ج - قیمت‌گذاری، به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاها اساسی محدود می‌گردد.

فهرست و ضوابط تعیین قیمت این گونه کالاها و خدمات براساس قواعد اقتصادی، ظرف شش ماه

پس از تصویب این قانون با پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های ذی‌ربط و

تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد. چنانچه دولت به هر دلیل فروش کالا یا خدمات فوق‌الذکر

را به قیمتی کمتر از قیمت تعیین شده تکلیف کند، مابه‌التفاوت قیمت تعیین شده و تکلیف شده

می‌باید همزمان تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجرا پرداخت گردد و یا از محل بدهی

دستگاه ذی‌ربط به دولت تهاتر شود.

علاوه بر آن در بند ب ماده ۴۰ نیز مقرر شده است: «در جهت افزایش توان رقابت‌پذیری

بنگاه‌های فعال در صنایع نوین، اقدامات ذیل انجام پذیرد:

۱ - مناطق ویژه صنایع، مبتنی بر فناوری‌های برتر را در جوار قطب‌های علمی - صنعتی کشور و در مکان‌های مناسب ایجاد نماید.

۲ - شهرک‌های فناوری را در مکان‌های مناسب ایجاد نماید.

۳ - به سرمایه‌گذاری بنگاه‌های غیردولتی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک،

ایجاد و توسعه نهاد‌های تخصصی، تأمین مالی فناوری و صنایع نوین

از قبیل نهاد مالی سرمایه‌گذاری خطرپذیر کمک نماید.

۴ - مؤسسات پژوهشی لازم را برای توسعه فناوری‌های پیشرفته و

جدید از طریق مشارکت شرکتها و بنگاه‌های اقتصادی با مراکز پژوهشی (آموزش عالی) کشور

ایجاد نماید.

و دست آخر این که در ماده ۴۱ نیز تصریح شده است: «دولت موظف است در برنامه چهارم،

در جهت بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان

با استفاده از اعتبارات بخش تعاون برای یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار نفر در پایان برنامه چهارم توسعه اشتغال‌زایی خواهد شد.

بدون شک یکی از بازوهای توانمند مسئولان نظام از جمله دولتمردان برای تحقق اهداف ترسیم شده در افق سند چشم انداز بیست ساله نظام، به ویژه دستیابی به مقام اول اقتصادی در منطقه و رهایی از پیشوند «در حال توسعه» از نام ایران در عرصه بین الملل، بخش توانمند و مردم پسند تعاون و اقتصاد تعاونی است که پویایی و تحرک آن در عمر یکساله دولت نهم، اقبال بسیار مناسب مردم برای سرمایه گذاری و تجمیع سرمایه های کوچک و بزرگ خود را در این بخش در پی داشته است.

عضویت بیش از ۸۰۰ میلیون نفر در خانواده بزرگ و جهانی تعاون و فراهم آوردن زمینه ایجاد ۱۰۰ میلیون شغل مستقیم و همکاری ۹۶ کشور جهان در اتحادیه بین المللی تعاون باعث شده است تا تعاونی ها بتوانند با اصول حاکم بر خود، سرمایه های کوچک را در سطح جهانی یکپارچه و صرف امور کلان و مولد کنند و این امر نیز تجمیع سرمایه های کوچک، فقرزدایی و گسترش عدالت اجتماعی را در پی داشته است.

عزم جزم دولتمردان کابینه نهم و تاکید ویژه ریاست محترم جمهوری بر جهش بخش تعاون که در اولین جشنواره تعاونیهای برتر از سوی دکتر پرویز داوودی بر آن تکیه شد از یک سو و قابلیتهای منحصر به فرد بخش تعاون و پتانسیلهای بسیار مناسب آن در تعامل با بازارهای هدف از جمله کشورهای منطقه با بیش از ۹۰۰ میلیون نفر جمعیت، خصوصا کشورهای آسیای میانه و آفریقای فرصت بسیار مناسبی را برای شکوفایی و پوست اندازی این بخش از اقتصاد کشورمان فراهم آورده است.

بر همین اساس است که معاون اول محترم رئیس جمهوری بر توانمندسازی بخش تعاونی برای اداره بهتر کشور تاکید می کند و می افزاید: توسعه مالکیت عامه از اهداف مهم بخش تعاون تا پایان سال ۸۸ است و برای تحقق آن، در طول برنامه چهارم توسعه باید ۷۶ هزار میلیارد تومان در این بخش سرمایه گذاری شود. همچنین در پایان برنامه چهارم توسعه، صادرات بخش تعاون باید به ۹ میلیارد دلار برسد.

محور اصلی مباحثات و مذاکرات جهانی شدن در ایران، میزان آمادگی کشورمان برای همسوس شدن با مولفه های اقتصاد جهانی است، چراکه اقتصاد ایران بر اثر دوری چندین ساله از اقتصاد جهانی از تجربه بسیار کمی در عرصه رقابتهای جهانی برخوردار است که همین امر سبب بروز نگرانی هایی در مورد امکان انجام اقداماتی برای حرکت سریع به سمت آزادسازی تجاری شده است. بدون شک بزرگترین خطر جهانی شدن، نادیده گرفتن آن است. بسیاری از مردم و صاحبان صنایع کوچک و متوسط از اثرات وقوع چنین رویدادی آگاهی ندارند و واقعیت این است که تمامی بنگاه های اقتصادی، به طریقی تحت تاثیر این پدیده قرار می گیرند.

برای استفاده از فرصتهای حاصل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی رعایت دو موضوع ضروری است: اول حفظ و صیانت از بازار داخلی و دوم، حضور مطمئن در بازار خارجی که پیش نیاز هر دو، قبل از هر چیز دیگر کیفیت و قیمت کالا است. آیا ممکن است بنگاهی که نتواند بارقیبان داخلی خود دست و پنجه نرم کند، توان رویارویی با رقیبان قدر و قدرتمند بین المللی را داشته باشد؟

این در حالی است که بر اساس برنامه ریزی های انجام شده از سوی وزارت صنایع و معادن، افزایش قابل توجهی در ارزش صادرات صنعتی و غیر نفتی ایران بیش بینی شده است که تا سال ۱۳۸۹، ۲۸/۸ و تا سال ۱۳۹۹، صادرات غیر نفتی باید به مرز ۷۱ میلیارد دلار نزدیک شود که نیازمند تلاش و کوشش در تمامی زمینه هاست.

تهدید اصلی جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و به ویژه بخش صنایع کوچک و متوسط آنها (در هر یک از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی)، رقابت فزاینده در بازار جهانی است که از نظر فنی، آمادگی آن را ندارند، چراکه بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی ایران با فقدان قدرت فنی و مالی و توانایی های مدیریتی لازم برای رقابت

جهانی مواجه هستند.

تا همین جا فرصتهای قابل توجهی را از دست داده ایم و بدتر از همه این که بعضا سعی داشته ایم کالاهای داخلی را با مبارک خارجی به فروش برسانیم، روندی که بدون تردید منافع ملی را تضمین نمی کند و هیچ ارتباطی با فتح بازارهای بین المللی ندارد.

هر پرسون و دزورث در کتاب روشهای مدرن برای کنترل کیفی و بهبود می نویسد: کنترل کیفی به عنوان یک استراتژی می تواند کیفیت، قیمت، ارسال و فروش را بهتر کرده و به سمت توفیق اقتصادی هدایت کند و استفان کاوی آن را ابزاری برای توسعه ملتها می داند.

امروزه و در دیدگاه صاحب نظران امروزی کیفیت از یک اصل رقابتی متمایز کننده فراتر رفته و به شرط اصلی کالا تبدیل شده است، تا جایی که نغمه های کیفیت به عنوان یک اصل رقابتی در بنگاههای داخلی و در لابلای دغدغه های مشتریان برای دوری از چرخش به سمت تولید کنندگان خارجی شنیده می شود. علاوه بر آن، حضور در بازار خارجی و تثبیت موقعیتی هر چند ناچیز در بازارهای هدف که آگاهانه انتخاب شده باشند، ضامن بقای هر بنگاه اقتصادی در بازار داخلی است. بدین ترتیب داشتن سهم قوی و مطمئن داخلی همراه با حضور نسبتاً ایمن و نه گذرا در بازار خارجی لازم و ملزوم یکدیگرند و می توانند امکان استفاده از فرصتهای ناشی از عضویت در سازمان تجارت جهانی از یک طرف و مقاومت در برابر تهدیدات آن از طرف دیگر را به ارمغان آورد.

کسب رتبه اول اقتصادی در منطقه، بدون شک عزم و اراده ورود به بازارهای فرامرزی و بین المللی بنگاه های اقتصادی کوچک، متوسط و بزرگ اقتصادی ایران را طلب می کند و علاوه بر دورخیز بلند آنها، حمایت و همراهی بیش از پیش دولت را خواستار است.

یادمان نرود جهانی شدن واقعیتی که دیر یا زود قطعاً اتفاق می افتد، بنابراین به جای قرار گرفتن در مقابل جهانی شدن باید آن را ارزیابی کرده و به گسترش آن کمک کنیم.

به جهانی شدن کمی واقع بینانه تر بنگریم؛ آن را آگاهانه انتخاب کنیم و سعی کنیم نگذاریم انتخاب شویم.

به جهانی شدن کمی واقع بینانه تر بنگریم؛ آن را آگاهانه انتخاب کنیم و سعی کنیم نگذاریم انتخاب شویم.